

رژیم‌های سیاسی اعراب

جلد ۲

اثر: موریس فلوری

ترجمه: دکتر امان اله ترجمان

رژیم‌های سیاسی اعراب / اثر موريس فلورى... (دیگران) ؛
ترجمه امان اله ترجمان. - تهران: ج. ۲، جدول. نمودار.

ISBN 964-7386-07-9 (ج. ۱) ۲۳۵۰۰ ریال

964-7386-27-3 (ج. ۲)

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: Les Regimes Politiques arabes, c1990

متمدرجات: ج. ۱: اسلام از دیدگاه غربیان. - ۱. کشورهای عربی --

سیاست و حکومت -- ۱۹۴۵

۲. اسلام و غرب. الف. فلوری، موريس، ۱۹۲۵

م. Flory, Maurice ب. ترجمان، امان اله، ۱۳۲۰ - مترجم. ج. عنوان.

DS۳۹/۴ ۹۰۹/۰۹۷۴۹۲۷۰۸۲

۱۳۸۱

کتابخانه ملی ایران ۵م۸۰-۲۳۹۸۳

□ شناسنامه:

□ عنوان: رژیم‌های سیاسی اعراب - جلد دوم

□ تألیف: موريس فلوری

□ ترجمه: دکتر امان اله ترجمان

□ ویراستار: ابوطالب ترجمان

□ حروفچینی: نشر پَرشکوه

□ چاپ: خورشید

□ صحافی: دوگر

□ تیراژ: ۳۶۰۰ جلد

□ چاپ اول: ۱۳۸۴

□ ناشر:

انتشارات پَرشکوه - تهران - خیابان کریمخان زند - خیابان سنائی -

کوچه چهارم - پلاک ۸ - طبقه دوم - تلفن: ۸۳۲۷۷۲۵ - ۸۳۲۷۷۲۶

تلفن - فاکس: ۸۳۰۷۵۱۵

□ شابک: ۹۶۴-۷۳۸۶-۲۷-۳

□ ای. ای. ان. EAN = ۹۷۸۹۶۴۷۳۸۶۲۷۲

□ قیمت: ۲۳۵۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۱	فصل هفتم - هلال بارور
۱۱	تقسیم منطقه
۱۳	از ساختار ایالتی تا ساختار کشور مستقل
۱۴	از رقابت قدرت‌های بزرگ تا رقابت رژیم‌های کشورهای منطقه
۱۵	دگرگونی‌های داخلی
۱۸	۱- سوریه - شکل‌گیری تاریخی
۱۹	تأسیس کشور
۲۰	قیمومیت فرانسوی‌ها...
۲۱	مرحله بی ثباتی
۲۲	سرهنگان
۲۵	از تعدد احزاب تا چند حزب گرایی محدود
۲۷	ثبات با بعث - ثبات نسبی - مرحله انتقالی
۲۸	تدرت دانشجویی، رادیکالیسم و سازماندهی مجدد امور اقتصادی
۳۰	ثبات سیاسی و مشکلات اقتصادی
۳۱	بحران اقتصادی در اقتصاد نیمه مولد
۳۳	از سوریه آلت دست تا سوریه به عنوان بازیگر
۳۴	از کشور همدست تا شریک قدرت
۳۶	لبنان - دین گرایی و ساختار تاریخی
۳۷	تأسیس کشور
۳۸	پیمان ملی
۴۰	قوم گرایی و روابط بین قدرتها
۴۱	بحران رژیم و بحران کشور

صفحه	عنوان
۴۲	اشرافیت اقتصادی و پراکندگی اجتماعی
۴۳	جنگ داخلی
۴۵	از هم پاشیدگی وحدت ملی
۴۶	احزاب و ساختارهای سیاسی - قبل از سال ۱۹۷۵
۴۸	از سال ۱۹۷۵
۵۱	جمهوری عربی عراق - تأسیس کشور
۵۲	عملکرد نظام
۵۴	چپ بدون بعث - ادوار انتقالی
۵۸	ملی گرایان در تجربه قدرت - جنگ داخلی
۵۹	برادران عارف و بی ثباتی بدون احزاب
۶۱	ثبات و توسعه
۶۲	عوامل ثبات...
۶۴	میانه روی حزب بعث عراق
۶۶	سیاست توسعه
۶۹	پادشاهی اردن هاشمی - تأسیس کشور - تغییرات مرزی
۷۰	انحطاط پذیری جمعیتی
۷۱	الزامات منطقه‌ای و ثبات سیاسی
۷۲	دوره دیدگاه‌های گستاخانه
۷۳	رجعت به سیاست اولیه
۷۴	سیاست‌های داخلی
۷۵	قدرت و ساختارها - قبایل در ارتش
۷۶	سلطنت پارلمانی
۷۸	سیاست اقتصادی و اجتماعی
۸۱	فلسطین - مقتضیات شکل‌گیری کشور
۸۲	ظهور ساختارهای اجتماعی
۸۴	پایان مفهوم کشور دو ملیتی
۸۵	مداخله ملل متحد
۸۷	طرح برنادوت

صفحه	عنوان
۸۸	جنگ فلسطینی‌ها - صهیونیست‌ها
۹۰	حیات سیاسی فلسطین - قبل از ظهور سازمان آزادی بخش فلسطین
۹۲	از زمان تاسیس سازمان آزادی بخش فلسطین
۹۴	اعلام موجودیت کشور فلسطین...
۹۹	فصل هشتم - مغرب
۱۰۱	ساختار کشورهای مغربی
۱۰۲	ظهور مغرب چهار بخشی...
۱۰۳	خودمختار شدن ولایات مغرب در عصر امپراطوری عثمانی
۱۰۶	سلسله‌های شریفیان و فرمول سیاسی مراکش
۱۰۸	کشورها
۱۱۳	رژیم استعماری و کشورها
۱۱۴	تخریب ساختارهای محلی - الجزایر
۱۲۰	لیبی
۱۲۳	ادامه حیات ساختارهای محلی
۱۲۵	کشور تحت‌الحمايه - رژیم استعماری
۱۲۷	جنبش ملی تونس
۱۳۰	جنبش ملی مراکش
۱۳۴	استقلال کشورها و برپایی رژیم‌ها
۱۳۴	تونس
۱۳۷	مراکش...
۱۴۰	الجزایر...
۱۴۴	لیبی...
۱۴۷	رژیم‌های جدید و مسأله کشور
۱۴۸	قدرت و ساختارها
۱۴۹	اشکال مغربی پدر سالار گرایی جدید
۱۵۳	کشور مراکش...
۱۵۷	جمهوری دموکراتیک و خلقی الجزایر
۱۶۲	جمهوری عربی خلقی و سوسیالیست لیبی

صفحه	عنوان
۱۶۶	تغییرات سیاسی...
۱۷۱	رژیم تونس از ۷ نوامبر ۱۹۸۷
۱۷۴	الجزایر...
۱۷۹	فصل نهم - شبه جزیره عربستان
۱۸۱	بین قرن هفتم و قرن بیست و یکم...
۱۸۴	طبقه بندی نظام‌های سیاسی
۱۸۵	قبیله گرایی سلطنتی و متغیرهای آن
۱۸۷	قبیله گرایی جمهوری خواه و مشتقات آن
۱۸۸	هشت نظام سیاسی شبه جزیره عربستان - تصویر کلی
۱۸۸	رژیم‌های قبیله‌ای - سلطنتی
۱۹۰	ساختار دولتی امارات متحده عربی
۱۹۱	رژیم‌ها قبیله‌ای - جمهوری
۱۹۵	بعد قانونگذاری
۱۹۶	بعد اجرایی
۱۹۶	بعد دولت محلی
۱۹۷	بعد قضایی
۱۹۸	عوامل وحدت آفرین
۲۰۲	از اقتدار سیاسی قبیله‌ای تا اقتدار کشوری
۲۰۵	اساس مشروعیت سیاسی
۲۰۹	جامعه قطعه قطعه شده
۲۱۴	اثرات توسعه سریع نفت در عملکرد رژیم‌های سیاسی
۲۱۸	اختلاف در وحدت - ویژه عملکرد انواع مختلف رژیم‌ها
۲۲۰	قبیله گرایی سلطنتی
۲۲۰	متغیر مطلق: عربستان سعودی
۲۲۸	متغیر نیمه رقابتی یا لیبرالیزه بحرین و کویت
۲۳۹	قبیله گرایی جمهوری
۲۵۱	نتیجه

مقدمه

اگر بپذیریم که نه تنها انسانهای اولیه بلکه انسانهای اعصار شکار و صید و رام کردن حیوانات و کشاورزی هم احساس چندانی به «مالکیت» غیر از ابزار شخصی خود نداشتند^۱ (تا جایی که قدیس زرین بیان بعدها گفت که «مال من و مال تو آتش محبت را خاموش و آتش آز را مشتعل می‌کند»)، می‌پذیریم که تقسیم بندی بخش خاکی کره زمین (و منطقه نسبتاً وسیعی از آنها نیز) به حدود دویست کشور، حاصل زیاده طلبی‌های اقوام و نتیجه و زائیده جنگ‌ها و جدال‌های زر و زورمداران بوده است.

وقتی می‌گوئیم ایران اولیه حدود بیست و شش میلیون و پانصد هزار کیلومتر مربع وسعت داشت به این دلیل است که ساکنان تمام این مناطق اگرچه دارای گویش‌ها و لهجه‌های متفاوت بودند اما ریشه در یک نژاد داشتند و آن هم نژاد آریایی بود.

هوس و زیاده طلبی جزء لایتجزای انسان است و بشر نوعاً به آنچه دارد قانع نیست. غیر آریایی‌ها هم در طول قرنهای متمادی گاهی از ترس تهاجم نژاد منسجم و بزرگ آریایی و گاهی به خاطر طمع به ثروت و قدرت خلافت و تمدن و اندیشه و ... این نژاد بزرگ، به انحاء مختلف با آن در ستیز بودند. فی‌المثل اسکندر وحشی وقتی

به ظاهر بر ایران مسلط شد برای محو درخشندگی تمدن کهن این مرز و بوم هر آنچه سمبل پیشرفت و ترقی و رفاه و اندیشه و تمدن بود ویران ساخت و به آتش کشید. پارتیان که بر قسمت‌هایی از مازندران امروزی و خراسان و خوارزم حکمرانی می‌کردند در سال ۲۵۰ قبل از میلاد علیه سلوکی‌ها که بر بازمانده‌های فتوحات اسکندر تسلط داشتند قیام کردند و این قیام مقدمه تشکیل سلسله مقتدر پارتیان یا اشکانیان شد. اگرچه مهرداد دوم سلطان لایق و روشن ضمیر این سلسله در سال ۸۸ قبل از میلاد اولین سفیر خارجی (سفیر چین) را با ملاطفت به دربار خود پذیرفت و نه تنها با دوستان که با بیگانگان هم باب دوستی گشود اما فرهاد چهارم سلطان دیگر همین سلسله نه تنها به بیگانه رحم نکرد بلکه برادران و حتی پدر خود را کشت تا بدون تشویش حکومت کند. بزرگان ایران وقتی با قساوت این سلطان جابر مواجه شدند از ترس جان خود جلای وطن کردند و به دربار بیگانگان پناهنده شدند! تاریخ چه خوش تکرار می‌شود!

امروز هم که سالهای آغازین قرن بیست و یکم و عصر گسترش ارتباطات است، وقتی بزرگان علم و اندیشه تحت ستم طاقت فرسای حکام خود قرار می‌گیرند فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند و به دامن اجانب پناه می‌برند و از دور با انواع ابزار ارتباطی به رجز خوانی می‌پردازند. اما علی رغم وجود سازمان ملل متحد (یا متفرق و متخاصم؟) و ده‌ها نهاد و ارگان و سازمان بین‌المللی به ظاهر «دب‌دان» اوضاع و احوال جوامع، می‌بینیم که اقبال‌ها و سولژنیستین‌ها و ... محکومند یا ترک وطن عزیزتر از جان‌شان کنند و در غربت بمیرند و یا در خاکی که نشان پاره‌ای از آن است زیر چکمه‌های ستم و اختناق خفه شوند!

این همه خردکشی و جهالت پروری ریشه در کجا دارد؟ در زیاده‌طلبی! آری، در زیاده‌طلبی. همین منطقه جزیرت‌العرب را در مد نظر قرار می‌دهید. یک روز این منطقه زیر سم اسبان ترکان عثمانی بود و حتی لیبی و مراکش هم از تعرض آنها مصون نبودند. اما انگار «هرکسی چند روزه نوبت اوست». غربی‌ها بویژه

انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و ... برای این منطقه دندان تیز کردند. چانه زدن‌ها بر سر تصاحب ثروت بی بدیل منطقه آغاز شد. برای اینکه بتوانند استیلای کامل برقرار کنند «پاره پاره کردن» جزیرت‌العرب را سر لوحه کارشان قرار دادند. (چو خواهد دشمنی بنیاد قدمی را براندازد - نخست آن قوم را از هم پریشان و جدا سازد - چو تنها دید هر یک را به تنهایی بدو تازد ...^۱)

یمن را «دومن» و بر دو قسمت کردند. پسران حسین شریف، این برده‌های استعمار پیر، به سلطنت بخش‌هایی از منطقه جزیرت‌العرب به نام‌های مصنوعی «اردن» و «عراق» گمارده شدند. فلسطین را (سرزمینی که قرن‌ها مسلمان و کلیمی و مسیحی در آن برادرانه در کنار هم زندگی می‌کردند) پاره پاره کردند و هنوز هم از پیکر این سرزمین مقدس رود خون جاری است. امرای فرمایشی جزایر خلیج همیشه فارس را که از بدو تاریخ بشریت به ایران تعلق داشته (و دارد) «باد کردند» و هر یک را همچون مترسک ملبس به البسه رنگارنگ در آوردند و حتی بعضی از آنها باور کردند که عدد و رقمی هستند و جسارت را تا آنجا کشاندند که اعلان استقلال کردند و هر یک در قالب «کشور مستقل!» می‌نماید. (بهترین و زنده‌ترین نمونه بارز استان چهاردهم ایران یعنی بحرین است که هنوز هم بالای ۸۰٪ مردم آن ایرانی هستند و باید هم باشند).

قدرت‌های توسعه طلب متعاقب این تقسیم بندی‌های منطقه به هر حاکم، مستقیم یا غیر مستقیم، یک ایدئولوژی القا کردند: این یکی با نام بعثی و آن دیگری با نام افلکی و آن سومی با عنوان «امیرالمؤمنین» و بالاخره چهارمی با ایدئولوژی «کمونیسم مصنوعی قرن بیستم» و ... ظاهر این ایدئولوژی‌ها را طوری آواستند که هر یک با دیگری در تضاد بود. لذا می‌بینیم که جنگ‌های منطقه‌ای از بدو این تقسیم بندی‌ها و برقراری این ایدئولوژی‌های نامیمون لحظه‌ای قطع نشده است و هر روز به نحوی بر شدت آن افزوده می‌شود.

مادام که تقسیم بندی‌های ارضی در هر نقطه از عالم بر مبنای زور و چپاول ملت‌ها ادامه دارد (ویتنام - کره - دو یمن (سابق)، فلسطین - خاورمیانه و ...) و مادام

که صاحبان اسلحه‌های رنگارنگ به خود نیابند و وجدانشان (اگر ماشین‌سازان برایشان وجدانی باقی گذاشته باشد) را قاضی نکنند دم زدن از صلح و دوستی شعاری بیش نیست.

دیدیم کمونیسم بین‌الملل، جهان وطنی ادعایی و ... با شکست مواجه شدند. حب الوطن نه تنها جزء ایمان انسان‌ها و با خون آنها آغشته است بلکه حیوانات اهلی و وحشی هم منطقه‌ای از جنگل یا غیر آن را جزء تبول خود می‌پندارند؛ گویی عشق به زادگاه با خون هر جنبنده‌ای عجین است.

دلیل ما در این زمینه فقط فیلم‌های مصور و مستند از زندگی حیوانات وحشی که در تلویزیون‌ها به نمایش می‌گذارند نیست بلکه هر آدم فرهیخته‌ای با مطالعه قصه «وطن» استاد سعید نفیسی به این حقیقت پی می‌برد. امید که خوانندگان عزیز با مطالعه این کتاب حقیقت را دریابند و فقط تماشای واقعیت‌ها آنها را سرگرم نکند.

خواننده ضمن مطالعه این کتاب با تاریخ ملت‌های ساکن در جزیرت العرب و ملت‌های بخش وسیعی از قاره آفریقا آشنا می‌شود و به نحوه شکل‌گیری حکومت‌ها و کشورها که اغلب مصنوعی و تحمیلی هستند پی خواهد برد. **مترجم.**